

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

ادبیات تطبیقی در جهان عرب

ادبیات تطبیقی در جهان عرب

عبدالنبی اصطیف

با ترجمه و نظارت
دکتر حجت رسولی

۱۳۹۵

فهرست مطالب

پیشگفتار	هفت
مقدمه مؤلف	نه
فصل اول: برداشت‌های نادرست پژوهشگران عرب درباره ادبیات تطبیقی	۱
برداشت‌های نادرست پژوهشگران عرب	۲
مبانی پژوهش تطبیقی ادبیات	۸
فصل دوم: حضور کم‌رنگ ادبیات عربی در پژوهش‌های تطبیقی	۱۵
فصل سوم: بین مرکز و محیط: ادبیات عربی در دایره ادبیات جهانی	۳۱
شباهت	۳۱
دایره ادبیات جهانی	۳۲
مفهوم ادبیات جهانی و گرایش خودمحوری	۳۳
عنصر کلاسیک	۳۸
عنصر دینی	۴۰
تجربه‌های زندگی واقعی	۴۰
گیوم نهم؛ نخستین شاعر تروبادور	۴۱
سروانتس؛ نویسنده دُن کیشوت	۴۲
انواع ادبی غرب	۴۲
فصل چهارم: دعوت به روش تطبیقی در بررسی و نقد ادبیات جدید عربی	۴۹
سرشت ادبیات معاصر عربی	۵۱
مقصود از شعر نو در ادبیات معاصر عربی	۵۲
پیوست: تدریس ادبیات تطبیقی در دانشگاه دمشق	۶۴
فصل پنجم: روش تطبیقی در پژوهش‌های ادبی	۶۷
مقدمه نظری	۶۷
اصطلاح ادبیات تطبیقی	۶۹
نخست: بررسی ادبیات شفاهی	۷۱

دوم: بررسی ادبیات در سایهٔ ارتباط آن با ادبیات دیگر	۷۱
سوم: ادب جهانی	۷۲
چهارم: ادبیات عمومی	۷۴
پنجم: بررسی رابطهٔ میان ادبیات و دیگر حوزه‌های معرفتی	۷۷
ششم: بررسی ادبیات از دیدگاه جهانی و با آگاهی از وحدت تجربه‌های ادبی و کارهای خلاقانه	۷۷
هفتم: بررسی ادبیات در سایهٔ میراث استعمار	۷۹
هشتم: بررسی ادبیات در دایرهٔ دریافت‌کننده یا پذیرندهٔ آن	۸۰
نهم: بررسی ادبیات در سایهٔ پیشرفت جوامع انسانی	۸۰
به سوی رویکردی عربی در پژوهش‌های تطبیقی	۸۱
الف) شواهد داخلی	۸۲
ب) شواهد برون‌متنی (خارجی)	۸۳
ج) نهادن دلایل و شواهد داخلی و خارجی در بافت	۸۴
د) نظام نقدی و احساس ارزشمندی	۸۵
هـ) اثر ادبی به‌مثابهٔ کلی‌جداشدنی و نظام معنایی منسجم	۸۶
فصل ششم: رویکرد تطبیقی در پژوهش‌های ادبی	۸۹
نمونهٔ تطبیقی	۸۹
پیوست	۱۱۳
احمد زکی ابوشادی: پیگمالیون	۱۱۳
علی محمود طه تندیس	۱۱۵
بدیع حقی بیکر تراشی	۱۲۰
فصل هفتم: بین نقد و موسیقی	۱۲۳
روش ادوارد سعید در مطالعهٔ کونترپوان	۱۲۳
پیوست: ترکیب نغمه‌ها یا کونترپوان	۱۴۳
فصل هشتم: جایگاه حسام خطیب در پژوهش‌های ادبیات تطبیقی در کشورهای عربی ..	۱۴۵
منابع	۱۵۱
دربارهٔ نویسنده	۱۵۹
نمایه	۱۶۳

پیشگفتار

اقبال‌ی که امروزه در کشور ما به ادبیات تطبیقی شده، نسبت به گذشته بسیار متفاوت است و حتی با یکی دو دهه گذشته قابل مقایسه نیست؛ به طوری که دانشجویان و پژوهشگران در گروه‌های آموزشی ادبیات فارسی و زبان‌های خارجی – که گروه‌های عربی نیز از آن مستثنا نیست – توجه بسیاری به مباحث و پژوهش‌های تطبیقی دارند. بر اهل تحقیق و ادب پوشیده نیست که در هر زمینه علمی، آسیب‌شناسی پژوهش‌ها و دستاوردهای آن، امری ضروری است و نقد و بررسی نتایج پژوهش‌ها – اعم از کتاب، مقاله و پایان‌نامه – موجب اصلاح رویکردها و تقویت تحقیقات و غنی‌تر شدن محتوای علمی آنها می‌شود. تکراری بودن تحقیقات، فقدان روش تحقیق مناسب، انتخاب موضوع تحقیق بدون تشخیص ضرورت، تمرکز بر مسئله تشابه‌ها و احیاناً اختلاف‌ها در موضوع‌های مقایسه‌ای، ناآشنایی پژوهشگران، به‌ویژه دانشجویان، با مبانی علمی ادبیات تطبیقی و سرانجام، به‌روز نبودن تحقیق‌ها، روش‌ها و رویکردها از مشکلاتی است که دامنگیر پژوهش‌های تطبیقی در ایران است.

بدیهی است این نقیصه و آسیب، به پژوهش‌های انجام‌گرفته در حوزه زبان و ادبیات فارسی منحصر نمی‌شود، بلکه در حوزه زبان و ادبیات عربی نیز این نابسامانی‌ها وجود دارد و حتی در زبان‌های اروپایی و کشورهایایی که خود خاستگاه این پژوهش‌ها هستند، تا حدودی این مشکلات به چشم می‌خورد.

عبدالنبی اصطیف، پژوهشگر و متخصص ادبیات تطبیقی در کتاب حاضر به موضوع ادبیات تطبیقی در حوزه زبان عربی پرداخته و نیز کوشیده است برخی از مشکلات و نابسامانی‌های پژوهش‌های ادبیات تطبیقی را بررسی کند. نکته درخور توجه اینکه

مشکلات ادبیات تطبیقی در حوزه زبان و ادبیات فارسی و عربی بسیار با هم مشابه است. از این رو، این کتاب تا حدی مشکلاتی را طرح و بررسی می‌کند که در ادبیات تطبیقی در زبان فارسی نیز مشاهده می‌شود.

ترجمه این اثر با کمک و همکاری سه تن از دانشجویان نخستین دوره دکتری زبان و ادبیات عربی در دانشگاه شهید بهشتی، آقای نجم‌الدین آرازی، خانم پریسا بختیاری و خانم رقیه خرمی میسر شده است. در واقع، به منظور آشنایی دانشجویان این دوره با شیوه‌های نوین ترجمه، جلسه‌هایی به شکل کارگاه ترتیب یافت، تا ضمن آموزش این شیوه‌ها، متن‌های ترجمه‌شده از سوی این دانشجویان با متن اصلی به دقت مطابقت داده و اصلاح شود. افزون بر ایشان، آقای محمد کلامی، دانشجوی دوره کارشناسی ارشد، نیز در ترجمه یک فصل همکاری داشته‌اند. سرانجام خانم شلیر احمدی، دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی، متن ترجمه شده نهایی را با دقت و حوصله تمام مطالعه کرده و برخی ایرادها و اشتباه‌ها را یادآوری و اصلاح کردند. از همه این دانشجویان کوشا و علاقه‌مند متشکرم.

در نهایت، از همکار محترم سرکار خانم آذر مه سنجری، معاون محترم انتشارات دانشگاه، و آقای منصور نظام‌آبادی فراهانی برای ویرایش زبانی و فنی متن ترجمه و همچنین آقای صفر ممیزاد که نظارت چاپ را برعهده داشتند و خانم سمیرا دهقان که حروف‌نگاری و صفحه‌آرایی کتاب را به انجام رساندند، سپاسگزارم. امیدوارم این اثر چراغی فرا روی دانشجویان و علاقه‌مندان به مباحث ادبیات تطبیقی باشد. ان شاء الله.

حجت رسولی

۱۳۹۵

مقدمه مؤلف

گرچه بیش از یک سده از آغاز پژوهش در حوزه ادبیات تطبیقی زبان عربی و حدود هفت دهه از ورود اصطلاح «ادبیات تطبیقی» از زبان فرانسه و سپس زبان انگلیسی به ادبیات عربی سپری شده است، رابطه پژوهشگران عرب‌زبان با این موضوع با مشکلات بسیاری روبه‌روست. این مشکلات با ترجمه نه چندان دقیق اصطلاح «ادبیات تطبیقی» آغاز و سبب شد عده زیادی از پژوهشگران عرب، در بخش نظری ادبیات تطبیقی دست به تألیف‌های فراوان بزنند؛ تألیف‌هایی که از نظر حجم، بیشتر از تألیف‌های فرانسویان است که خود پیشگامان این علم‌اند و نیز بیشتر از تألیف‌های امریکاییان است که با پشتکار، زمینه تحول این موضوع را فراهم آوردند و همچنین بیشتر از تألیف‌های همه نویسندگان شرق و غرب اروپا، آفریقا، هند، چین و ژاپن است؛ البته با در نظر گرفتن این نکته که به طور تقریبی بخش شایان توجهی از تألیف‌های آنها، اندک ربطی نیز به ادبیات تطبیقی ندارد؛ چرا که در واقع تقلیدی از تلاش غربی‌هاست که پژوهش‌های تطبیقی آنها ریشه در طبیعت ادبیات خود آنها دارد. در حالی که بیشتر نویسندگان عرب از نقطه اتمام کار آنها، پژوهش خود را آغاز کرده‌اند؛ در نتیجه این تلاش پژوهشگران عرب با انواع بیگانگی روبه‌روست که بارزترین آنها بیگانگی از سرشت ادبیات عربی و بیگانگی ناشی از نشناختن جدیدترین تحولات حاصل از دستاورد پژوهش‌های ادبیات تطبیقی است؛ زیرا در واقع پژوهش‌های تطبیقی شیوه‌ای است که در ارتباط با متون ادبی که همواره در همه جهات و سطوح در حال تحول است، پذیرای تغییر و دگرگونی مستمر است.

از این روست که ناقدان فعال در زمینه ادبیات تطبیقی باید همواره آثار پدید آمده در زبان عربی را زیر ذره‌بین قرار داده، از یک سو کاستی‌های آن و از دیگر سو راه‌های جبران و رفع این کاستی‌ها را نشان دهند؛ به‌ویژه که تجربه قدیم، میانه و جدید زبان عربی در تعامل با ادبیات جهان، تجربه‌ای بی‌نظیر است که شاید بتوان گفت ادبیات هیچ زبانی با آن برابری نمی‌کند.

فصل‌های هشت‌گانه این کتاب نتیجه کدوکاوی است که نویسنده این سطور در طول سه دهه درباره این موضوع داشته و بیش از دو دهه است که انتشار آن را در تعدادی از مجله‌های عربی و غیرعربی آغاز کرده است.

فصل اول به بررسی مطالبی می‌پردازد که در حوزه ادبیات تطبیقی نیست. این کار از طریق اشاره به تصوره‌های غلط راه یافته به ذهن پژوهشگران زبان عربی درباره این موضوع صورت می‌پذیرد تا مبانی و اصول کلی را مشخص کند. این مبانی دارای قوانین کلی است که باید رعایت شود.

فصل دوم به این موضوع می‌پردازد که نویسندگان عرب‌زبان در بررسی نظری ادبیات تطبیقی جهان، آشنایی و ارتباط لازم را با ادبیات کشورهای دیگر ندارند و همچنین، متأسفانه در نگاه این نویسندگان به ادبیات تطبیقی، توجه چندانی به ملت‌های دیگر وجود ندارد.

در فصل دوم به روشنی بیان شده است که همه روش‌های ادبیات تطبیقی نمی‌تواند نمونه‌ای از این ارتباط متقابل را به شایستگی تبیین کند. با این حال، نظریه‌پردازان ادبیات تطبیقی در غرب، یعنی کسانی که افکار آنها ریشه در طبیعت ادبیات خودشان دارد، بر اثر خودمحوری- که با روح پژوهش‌های تطبیقی در ادبیات منافات دارد- عناصر شرقی را در ادبیات تطبیقی انکار کرده‌اند که در فصل سوم تلاش شده است با بررسی رابطه مرکز با محیط و نیز جایگاه ادبیات عربی در میان ادبیات جهان بررسی شود.

فصل چهارم مقاله‌ای است که نویسنده آن را در همایش دوم «انجمن عربی ادبیات تطبیقی» ارائه کرده است. این همایش در سال ۱۹۸۶ در دانشگاه دمشق برگزار شد. نویسنده در این مقاله کوشیده است تا روشی تطبیقی در بررسی ادبیات معاصر عربی و نقد آن پایه‌گذاری کند؛ یعنی روشی که برآمده از طبیعت ادبیات عربی باشد.

فصل پنجم با عنوان «روش تطبیقی در پژوهش‌های ادبی» پاسخ به ضرورت مطرح شده در فصل چهارم است. نویسنده کوشیده است خطوطی کلی را تبیین کند که ممکن است چارچوبی برای مطالعات تطبیقی ادبیات باشد.

در فصل ششم نویسنده در توضیح این مطلب، به تحلیل تطبیقی قصیده «زن و تندیس» از شاهکارهای ادبیات معاصر عربی و سروده عمر ابوریشه، شاعر بزرگ حلب، پرداخته است. در بررسی این قصیده بیان شده که چگونه رابطه متقابل با دیگری سبب الهام دستاورد اجتماعی آن شده که این امر برآمده از طبیعت فرهنگ عربی در گفت‌وگوی خلاقانه‌اش با فرهنگ‌های دیگر است. با اینکه نویسنده دید نقادانه‌ای نسبت به پژوهش‌های تطبیقی نویسندگان عرب دارد، فعالیت‌های جدی برخی از پژوهشگران تطبیقی عرب را نادیده نمی‌گیرد و طبیعی است که نویسنده در پژوهش‌های خود درباره رابطه عرب‌ها با ادبیات تطبیقی یا به بیان بهتر، برخی از ابعاد این رابطه، در دو بخش یکی مفصل‌تر و دیگری مختصر به جایگاه ادوارد سعید و حسام خطیب پردازد؛ دو شخصیت برجسته‌ای که در شرق و غرب شناخته شده‌اند و پژوهش‌های زیادی عرضه کرده‌اند که می‌توان آنها را در پژوهش‌های تطبیقی ادبیات عربی و ادبیات دیگر کشورهای دنیا پیگیری کرد.

همان‌طور که اشاره شد فصل‌های این کتاب نشان‌دهنده کنجکاوای پژوهشگر عربی است که در حد توان، بخشی از تجربه ادبیات شرق و غرب را در بررسی ادبیات جهان ارائه می‌کند. نویسنده تلاش کرده است از آگاهی خود نسبت به تجربه‌های بیش از سه دهه، در بیان مطالبی بهره‌گیری کند که برای پژوهش در ادبیات قدیم، میانه و جدید عربی مفید است.

شایان ذکر است که پژوهش در ادبیات عربی با مشکلات خاصی روبه‌روست؛ به این ترتیب که پژوهشگر عرب در هزاره سوم، در مطالعه ادبیات خود به پژوهش‌های بیگانگان محتاج است؛ حال آنکه خود او برای انجام دادن این پژوهش‌ها شایسته‌تر است. از آنجا که ادبیات عربی دستاورد تمدن انسانی است، شایسته است که همگان از هر دیدگاهی که تمایل دارند، به تفکر و پژوهش در آن بپردازند. بدیهی است پدیدآورندگان این ادبیات برای بررسی ادبیات خود بر دیگران مقدم‌اند؛ به‌ویژه که ادبیات آخرین عنصر هویت‌ساز آنان بوده که برایشان برجای مانده است؛ ادبیاتی که در عصر جهانی‌سازی- که نسیم آن بر فرهنگ جدید عربی در حال وزیدن است- بازخواست شده است.

عبدالنبی اصطفی

استاد ادبیات تطبیقی و نقد معاصر دانشگاه دمشق

فصل اول

برداشت‌های نادرست پژوهشگران عرب درباره ادبیات تطبیقی

حسام‌الدین خطیب- از پژوهشگران عرب در تاریخ ادبیات تطبیقی یا مطالعه تطبیقی ادبیات در کشورهای مختلف- معتقد است ادیب اسحاق و احمد فارس شدیاق از پیشتازان ارتباط با ادبیات غربی و از فعالان مقایسه ادبیات عربی با غربی بوده‌اند.^۱ همچنین وی معتقد است سلیمان بستانی در مقدمه‌ای که بر ترجمه عربی *ایلیاد* نوشته است (ترجمه *ایلیاد* هشت سال به طول انجامید و هشت سال نیز شرح، تعلیق و مقایسه دیدگاه‌های آن با شعر عربی زمان برد) یکی از پیشگامان پژوهش‌های تطبیقی به شمار می‌آید؛ زیرا در این مقدمه، پیوسته به شباهت‌های شعر عربی و یونانی اشاره می‌کند، بدون اینکه به بررسی تأثیر متقابل آن دو بپردازد. وی همچنین عقیده دارد روحی خالدی به واسطه اثر ارزشمند تاریخ علم الادب عند الافرنج و العرب و فیکتور هوکو- که حدود یک سده از انتشار آن می‌گذرد- یکی از پیشگامان مباحث پژوهش تطبیقی به شمار می‌آید (این اثر سلسله مقالاتی است که در سال‌های ۱۹۰۳-۱۹۰۲ در *مجله الهلال* منتشر شد و سپس در سال ۱۹۱۲ تجدید چاپ شد).

دکتر حسام خطیب، خلیل هنداوای را پیشگام نظری پژوهش تطبیقی ادبیات می‌داند که برای نخستین بار این اصطلاح را در *مجله «الرسالة»* قاهره در مبحثی با

۱. بنگرید به: الدكتور حسام الخطیب، *آفاق الادب المقارن عربياً و عالمياً*، ط ۲ (دار الفکر، دمشق، ۱۹۹۹م)، ص ۱۵۵.